

## ارزیابی فقهی و حقوقی خرید و فروش وام و تسهیلات بانکی\*

سمیه نوری (نویسنده مسئول)\*\*

رامین فغانی\*\*\*

### چکیده

انتقال حق امتیاز وام و تسهیلات بانکی از سوی فروشنده به خریدار، پدیده‌ای است موسوم به «وام‌فروشی» که به عنوان مصداقی جدید از «بیع» شناخته می‌شود. حکم این معامله در میان فقهای معاصر محل اختلاف نظر است و قانونگذار نیز در این رابطه تصریح ندارد. مقاله حاضر درصدد آن است که این معاملات را با ملاک‌های فقهی و قانونی ارزیابی کند، زیرا اولاً قابلیت انتقال‌پذیری حق امتیاز وام و تسهیلات و ثانیاً حکم این قبیل معاملات محل تردید است. از این رو با بررسی و تحلیل دیدگاه فقها و قوانین ایران، به روش توصیفی-تحلیلی، نتیجه گرفته شده است که حق امتیاز وام و تسهیلات، به عنوان یک حق معنوی، قابل انتقال به غیر نمی‌باشد و مستند به دیدگاه برخی از فقهای متأخر و قوانین صادره از سوی بانک‌ها، عدم مشروعیت و ممنوعیت قانونی این معاملات، محرز می‌گردد، که البته آثار این پدیده به لحاظ اقتصادی و اجتماعی، بر منع قانونی و شرعی آن تأکید دارد.

**کلید واژه‌ها:** خرید و فروش، وام، تسهیلات بانکی، حق امتیاز، تعمیم بیع.

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۰۹- تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۲۷- نوع مقاله: علمی پژوهشی.

\*\* دانش‌آموخته دکتری فقه و مبنای حقوق اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان،

ایران/ hadafmand1396@pgs.usb.ac.ir

\*\*\* استادیار گروه فقه و مبنای حقوق اسلامی دانشگاه پیام نور، تهران. ایران/

ramin.faghani@pnu.ac.ir

امروز، «بیع» از مفهوم نخستین خود فاصله گرفته و صرفاً بر فروش کالا در ازای مبلغ اطلاق نمی‌شود؛ این ادعا طبیعتاً با کم‌ترین تحقیق از سایت‌های اینترنتی مختلف و حتی دقت در آگهی‌های انتشار یافته در سطح معابر عمومی قابل اثبات است. خرید و فروش امتیاز وام و تسهیلات بانکی، اعم از وام ازدواج، وام مسکن، وام جانبازی و وام تعویض خودروهای فرسوده از جمله مصادیق نوظهور بیع تلقی می‌گردد. چنین تصور می‌شود تنها کسانی که قادر به طی مراحل و عبور از سد نظام بانکی نیستند، متقاضی خرید تسهیلات و وام می‌باشند. بدیهی است که محوریت این خرید و فروش، تسهیلات و وام‌های غیرقابل انتقال بانکی است و در مورد غیر آن‌ها که قابلیت انتقال به غیر را دارا می‌باشند، چندان متداول نیست.

بنا بر ظاهر، خرید و فروش وام و تسهیلات بانکی، معامله‌ای بین فروشنده امتیاز و خریدار آن است، این در حالی است که این فرایند اخیراً به شغل تبدیل شده و دلال‌ها و مؤسسات مشاوره‌ای، نقش واسطه‌گری بین شبکه بانکی و متقاضیان دریافت تسهیلات و وام را عهده‌دار شده‌اند. ساختار و سازوکار فعالیت دلالان بدین نحو است که اصولاً پس از اقدام به خریداری تسهیلات و یا وام از دارنده آن، مبلغ به دست آمده را در مقابل سود قابل توجهی به شخص ثالث می‌فروشند.

مؤسسات مشاوره‌ای نیز با انعقاد قرارداد با متقاضیان فروش تسهیلات و وام و ایجاد پل ارتباطی میان آنان و خریداران، مناسبات حقوقی در عقد مربوطه را لحاظ نموده و تضمین‌های لازم جهت انجام تعهدات طرفین را اخذ می‌نمایند. این مؤسسات که بیشتر تحت عنوان «وام فوری» راه اندازی شده‌اند، به منظور حلال و قانونی جلوه دادن این موضوع، با تنظیم وکالت محضری و بیع‌نامه بین خود و فروشنده، فعالیت خود را مستند به اخذ مجوز از نهادهای ذیربط، از جمله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دانسته و به نوعی به این کسب و کار لباس قانون می‌پوشانند.

با مراجعه به سوابق پژوهشی، در این زمینه می‌توان به مقاله «تبیین ماهیت فقهی و حقوقی امتیاز وام و تسهیلات بانکی» اشاره کرد که نویسنده در ضمن آن با تمرکز بر مالیت حق امتیاز وام و تسهیلات بانکی کوشیده است کارکرد خرید و



فروش این معاملات را مشروع و قانونی جلوه دهد که البته نگارندگان تحقیق حاضر بنا بر استدلالاتی که خواهد آمد، چنین نظریه‌ای را محل تردید می‌دانند.

گذشته از علل واگذاری امتیاز وام و تسهیلات، از جمله مشکلات عدیده اقتصادی و طولانی بودن روند دریافت اعتبار از مؤسسات بانکی، نظر به اینکه گستردگی و شیوع این فرایند، به هر یک از شیوه‌های ممکن، خواه به وسیله دلالتان و مؤسسات مربوطه و خواه به وسیله دارنده امتیاز آن، در عصر حاضر چشمگیر می‌باشد، لذا سؤال اصلی این پژوهش این است که آیا حق امتیاز وام و تسهیلات، قابل معامله و انتقال به غیر می‌باشد؟ همچنین پرسش‌های فرعی که در این تحقیق به آن‌ها پاسخ داده خواهد شد، عبارت‌اند از:

۱. حکم معامله بر وام و تسهیلات چیست؟

۲. معامله بر وام و تسهیلات بانکی چه آثاری دارد؟

این پژوهش با اثبات فرضیه عدم جواز و ممنوعیت خرید و فروش وام و تسهیلات بانکی، با ارائه مستندات فقهی و قانونی و استدلال به آثار این خرید و فروش، نظریه خویش، مبنی بر ممنوعیت خرید و فروش را تقویت می‌کند. بنابراین در این تحقیق، ارزیابی فقهی حقوقی خرید و فروش وام و تسهیلات بانکی به عنوان هدف اصلی قلمداد می‌شود. همچنین بررسی حکم معامله بر وام و تسهیلات و شناخت آثار این معامله، بعنوان اهداف فرعی شناخته می‌شوند که این تحقیق به روش توصیفی تحلیلی و با جمع‌آوری، تنظیم، تبیین و تحلیل داده‌های مورد نیاز از منابع کتابخانه‌ای و مراجع علمی، به دنبال پاسخگویی به آن‌ها می‌باشد.

## ۱. مفهوم‌شناسی

پیش از پرداختن به بحث اصلی مقاله، شایسته است برخی از اصطلاحات، بررسی شده و سپس در جهت نیل به مقصود حرکت نمود.



## ۱.۱. وام

معنای واژه «وام»، چه در لغت و چه در اصطلاح، با دو واژه قرض و دین پیوند می‌خورد، چرا که در کتب لغت، «قرض» و «دین» به معنای وام و گرفتن چیزی از کسی با قصد پس دادن آن آمده است. (عمید، ۱۳۶۰: ۹۹۴؛ معین، ۱۳۷۹: ۲۶۵۸)

به عقیده برخی، کسی که طلب قرض و وام می‌کند، به نوعی از دیگری می‌خواهد که مقداری از مالش را قطع کرده و در اختیار او بگذارد تا در موعد مقرر، آن را بازگرداند. (وحیدی، ۱۳۸۵: ۲۱۱)

در اصطلاح فقهی، قرض را وام دادن بشری به بشر دیگر می‌دانند. (حسینی دشتی، ۱۳۷۹: ۸ / ۲۹۳) در «تحریر الوسيله» از قرض دهنده و قرض گیرنده به ترتیب با عناوین وام‌دهنده و وام گیرنده، تعبیر شده است. (موسوی خمینی، بی‌تا: ۶۴۷/۱)

## ۲.۱. حق

مستفاد از قول لغت‌دانان، هر چیزی که با پایداری، استحکام و دوام توأم باشد «حق» نامیده می‌شود. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۶۲/۲)

به لحاظ معنای اصطلاحی، حق نوعی رابطه حقوقی است که به موجب آن، قانون به دارنده حق این توانائی را می‌دهد، تا به صورت منفرد و ویژه بر چیزی معین تسلط یابد، از مصادیق تسلط آن است که بتواند از شخصی دیگر، انجام دادن یا عدم انجام چیزی یا کاری معین را بخواهد. (کبیره، ۱۹۷۱م: ۴۴۱؛ عبداللهی، ۱۳۷۱: ۱۳-۱۰) به تعبیر مناسب‌تر، حق نوعی اولویت داشتن بر شمرده می‌شود و اینکه در عرف گفته می‌شود که فلانی دارای فلان حق است، یعنی اولویت به آن امر دارد.

از عبارات برخی از صاحب‌نظران چنین استفاده می‌شود که حق عبارت است از فعلیت بر چیزی، به گونه‌ای که زمام آن در دست ذی‌حق باشد و وی بتواند آن را

اعمال یا اسقاط نماید و یا حتی در مواردی به دیگری منتقل کند. (محمدی خراسانی، ۱۳۷۶: ۶۸/۴-۶۷)

برخی از فقها، حق را مرتبه‌ای ضعیف از ملک می‌دانند. (بحرالعلوم، ۱۴۰۳: ۱۸/۱) تعدادی نیز حق را مرتبه‌ای از حکم وضعی و اعتباری فرض کرده‌اند که به فعل انسان تعلق می‌گیرد. (موسوی خمینی، ۱۴۱۵: ۴۰/۱) در مقابل، شماری دیگر از فقیهان، با اظهار تعجب و شگفتی در مورد فرض نمودن حق به عنوان ملک و حکم، چنین فرضی را به شدت مورد مخالفت قرار داده‌اند. (مامقانی، ۱۳۹۱: ۴۵۷)

## ۲. وجه تمایز وام از تسهیلات

دو واژه «وام» و «تسهیلات» نه تنها در میان کارمندان بانک یا دست‌اندرکاران امور مالی بسیار کاربرد دارند، بلکه توسط عموم مردم نیز به کرات مورد استفاده قرار می‌گیرند. علی‌رغم کاربرد بسیار، این دو واژه غالباً به صورت اشتباه و به جای یکدیگر استفاده می‌شوند، درحالی‌که این دو با هم تفاوت دارند و وام در واقع پول، کالا، ملک و یا هر نوع دارایی است که از جانب وام‌دهنده، به وام‌گیرنده پرداخت می‌شود. به تعبیر مناسب‌تر، مقصود از این واژه در مناسبات بانکی، وجوهی است که برای مواردی نظیر ازدواج، خرید مسکن و... پرداخت می‌شود. در مقابل، واژه تسهیلات که از مفهومی گسترده‌تر از واژه‌ی وام برخوردار است، بر وجوهی اطلاق می‌شود که در جهت افزایش تولید و بهسازی واحدهای صنعتی راکد پرداخت می‌شود.<sup>۱</sup>

به عنوان مثال، قرارداد مضاربه یکی از اشکال اعطای تسهیلات است که طی این قرارداد، بانک با تأمین سرمایه مورد نیاز یک فعالیت تجاری، در سود آن فعالیت سهیم می‌شود. با دقت در مثال ذکر شده، وجه تمایز وام و تسهیلات بخوبی محرز می‌گردد؛ چرا که به خلاف تسهیلات، به هیچ وجه در وام‌دهی خبری از مشارکت در سود مطرح نیست. تسهیلات اشکال دیگری از قبیل جعاله، مشارکت مدنی و

۱. ر. ک: وبسایت وام‌چی، «تفاوت تسهیلات و وام»، تاریخ مشاهده: ۱۳۹۹/۵/۳۱، قابل‌بازایی



ضمانت‌نامه دارد. به طور کلی می‌توان گفت هر گونه وام، نوعی تسهیلات محسوب می‌شود، اما هر تسهیلاتی وام به شمار نمی‌آید.<sup>۱</sup>

### ۳. حکم خرید و فروش وام و تسهیلات بانکی

نقل و انتقال تسهیلات و یا وام، هم آنجایی که شخصاً توسط دارنده آن پیگیری شده و هم در موردی که با دخالت دلال و یا مؤسسات مربوطه صورت می‌پذیرد، به صور متعدد انجام می‌پذیرد، به این شکل که یا دارنده حق امتیاز، صرفاً حق امتیاز خود نسبت به وام و یا تسهیلات را در ازاء مبلغی به غیر می‌فروشد و یا اینکه پس از پیگیری‌های لازم و دریافت مبلغ وام و یا تسهیلات، با مشتری وارد معامله می‌شود، که صورت دوم به دو حالت قابل تصور است:

۱. در این حالت متقاضی که تمامی مدارک بانکی جهت دریافت تسهیلات و یا وام به نام وی می‌باشد، پس از اتمام اقدامات و پیگیری‌های لازم، طی قراردادی، مبلغ دریافتی از بانک را به ازای مبلغی، به شخصی دیگر انتقال می‌دهد. مثلاً ۱۲۰ میلیون تومان وام و یا تسهیلات را در ازای دریافت چهل میلیون تومان به دیگری انتقال می‌دهد و مضمون قرارداد، مبتنی بر تعلق تمام مبلغ وام و یا تسهیلات به منتقل‌الیه و تعهد وی به پرداخت تمامی اقساط منعقد می‌گردد.

۲. در مواقعی نیز دارنده امتیاز تسهیلات و یا وام، درصدی از مبلغ آن را مثلاً بیست درصد، برای خود برداشته و مضمون قرارداد، مبتنی بر تعلق هشتصد درصد باقیمانده به منتقل‌الیه و تعهد وی به پرداخت تمامی اقساط انعقاد می‌یابد.

در مواردی نیز بحث خرید و فروش مطرح نبوده و توافق بین طرفین به شکل پیشنهاد فراهم‌سازی ضامن تحقق می‌پذیرد که اصطلاحاً با عنوان «وام از ما، ضامن از شما» یا «وام از شما، ضامن از ما» تحت عنوان شیوه جدید دیگری از دلالی مطرح می‌باشد که در مقایسه با خرید و فروش وام و تسهیلات، در این روش، دارنده امتیاز به شکل قابل توجهی منتفع می‌گردد.

۱. ر. ک: همان.



گذشته از توافق مذکور، حکم آنجایی که وام و یا تسهیلات، مورد خرید و فروش واقع می‌شود، مسئله‌ای است که به دلیل شیوع بیشتری که دارد مورد توجه صاحب-نظران واقع شده و هر چند که در این زمینه قول واحدی وجود ندارد، اما بنابر مطالبی که مطرح خواهد شد، روشن‌تر می‌گردد.

### ۳. ۱. حکم خرید و فروش وام و تسهیلات بانکی در نگرش فقها

طبق یک نظر آمده است که حکم این مسئله تابع مقررات بانک است. اگر مقصود بانک از دادن امتیاز، استفاده خود فرد باشد، واگذار نمودن به دیگری ولو مجاناً جایز نیست، اما چنانچه مقصود استفاده مطلق ولو توسط دیگری باشد، انتقال آن مانعی ندارد. (منتظری، بی تا: ۲۶۸/۳)

بسیاری دیگر از مراجع تقلید با بیان عبارتی مشابه با استفتاء مذکور، گفته‌اند که واگذاری امتیاز وام به شخصی دیگر در صورت عدم مخالفت با مقررات بانکی فی نفسه اشکالی ندارد.<sup>۱</sup>

قول مذکور که مفید تبعیت از قوانین بانکی می‌باشد، در حقیقت نه جانب جواز و نه جانب عدم جواز خرید و فروش وام و تسهیلات را اختیار نموده و مکلف را به قوانین بانکی ارجاع داده است و به نوعی مستند به دلیل خاصی نمی‌باشد.

دیدگاه دومی نیز مطلقاً قائل به عدم جواز خرید و فروش وام و تسهیلات نشده، بلکه حاکی از آن است که اگر دریافت‌کننده وام بخواهد پولی را که به عنوان وام دریافت کرده به قیمت بالاتر بفروشد، در صورتی که وام ربوی نبوده اشکالی ندارد، اما اگر ربوی باشد، به دلیل عدم مالکیت نسبت به آن، فروشش جایز نیست.<sup>۲</sup>

مع‌ذلک، دیدگاه سومی که می‌توان از آن به عنوان نظریه مخالف خرید و فروش وام یاد کرد، مبتنی بر این است که فروش وام ازدواج و سایر وام‌های قرض الحسنه

۱. ر. ک: گروه تحریریه یاسا، استفتانات آیات عظام سیستانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی و

خامنه‌ای: <https://www.yasa.co/blog/buy.and.sell.a.loan>

۲. ر. ک: گروه تحریریه یاسا، استفتانات آیات عظام صافی گلپایگانی و سبحانی:

<https://www.yasa.co/blog/buy.and.sell.a.loan>



جایز نبوده و به نوعی ربا محسوب می‌شود؛<sup>۱</sup> یعنی علت ممنوعیت و عدم جواز را در ربوی بودن فروش وام می‌داند.

### ۲.۳. حکم خرید و فروش وام و تسهیلات بانکی در قوانین ایران

بانک مرکزی در بخشنامه شماره ۸۹/۱۳۴۱۳۷ مورخ ۱۳۸۹/۰۶/۲۴ ضمن یادآوری ممنوعیت نقل و انتقال تسهیلات و وام‌های بانکی اعلام نموده که در صورت اطلاع از خرید و فروش این امتیازات، قرارداد مربوطه فسخ شده و دریافت‌کننده حق امتیاز نه تنها به بازگرداندن اصل و سود مبلغ منتقل شده ملزم می‌گردد، بلکه پرداخت خسارات ناشی از عملکرد خارج از قرارداد تا زمان تسویه نیز از سوی وی لازم است. مطابق مضمون این بخش‌نامه، بانک‌ها و موسسات اعتباری، موظف هستند که برای اعطای هر نوع تسهیلات و وام، به منظور ممنوعیت هر گونه نقل و انتقال، تعهدات لازم و کافی را از مشتریان خود، در هر شکل، اعم از اعطای وکالت یا غیر آن اخذ نمایند.<sup>۲</sup>

در قانون ایران، علی‌رغم اینکه از حکم انتقال تسهیلات و وام بانکی به صراحت سخنی به میان نیامده است، اما حقوق‌دانان با استناد به ماده ۲ قانون تشدید مجازات کلاهبرداری و اختلاس، این انتقال و واگذاری را غیرقانونی می‌دانند.

مطابق مضمون ماده مورد نظر، هر کس به نحوی از انحاء، امتیازاتی نظیر جواز صادرات و واردات و آنچه را عرفاً موافقت اصولی گفته می‌شود و به افراد خاص به جهت داشتن شرایط مخصوص تفویض می‌گردد، در معرض خرید و فروش قرار دهد یا از آن سوءاستفاده کند و یا در توزیع کالاهایی که مقرر بوده طبق ضوابطی توزیع نماید، مرتکب تقلب شود و یا به طور کلی، مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن، فاقد مشروعیت قانونی بوده، مجرم محسوب می‌گردد و علاوه بر

۱. ر. ک: باشگاه خبرنگاران، «فروش وام ازدواج ربا محسوب می‌شود»: <http://ijtihadnet.ir>

۲. ر. ک: عصر ارتباط، «خرید و فروش بانکی؛ جرمی که آزاد شد!»: <https://asreertebat.com/article/3346/>





رد اصل مال، به مجازات سه ماه تا دو سال حبس و یا جریمه نقدی، معادل دو برابر مال به دست آمده محکوم خواهد شد.

مستفاد از ماده مزبور، منع از خرید و فروش امتیازات دولتی و تجاری به هر نحوی از انحاء است. بنابراین در مقام تبیین انتقال تسهیلات بانکی، با توجه به اقوال مخالف در این زمینه، به ضمیمه ممنوعیت لحاظ شده به وسیله بانک مرکزی، محرز می‌گردد که پدیده انتقال تسهیلات و وام نه تنها به لحاظ ماهوی از جهت تعمیم بیع به آن نیازمند بررسی است، بلکه به لحاظ حکمی نیز دارای ابهام بوده و شفاف‌سازی این جنبه نیز ضرورت می‌یابد. بنابراین لازم است به منظور تعمیم بیع و یا عدم آن، حق مزبور هم از جهت اینکه ذیل کدامی ک از حقوق قرار می‌گیرد و هم از جهت انتقال‌پذیری آن، مورد تحلیل مناسب قرار گیرد.

#### ۴. انطباق حق امتیاز وام و تسهیلات بانکی با اقسام حقوق

با امعان نظر به برشماری حق در شمار اموال، در مقام رابطه حقوق با اموال، قابل اشاره است که میان مال و حق رابطه عموم و خصوص من وجه وجود دارد؛ برخی مال‌ها حق هستند، مثل حق انتفاع، و برخی مال‌ها حق نیستند، مثل کیف. برخی حق‌ها مال به شمار می‌روند، مثل حق ارتفاق و برخی حق‌ها مال محسوب نمی‌شوند، مثل حق وصایت و حق ولایت. (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۳۳)

با در نظر گرفتن تقسیم حقوق، به حقوق مالی و غیر مالی، علمای حقوق، حق مالی را به دو قسم حق مالی عینی و حق مالی دینی تقسیم‌بندی می‌کنند. (کاتوزیان، همان: ۲۵۸؛ امامی، بی‌تا: ۷/۴؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۲۲۳)

حق مالی عینی که کامل‌ترین مصداق آن مالکیت است، حقی است که شخصی نسبت به چیزی، به طور مستقیم و بدون واسطه پیدا می‌کند؛ در واقع چنین حقی نسبت به عین خارجی وجود دارد، مثل حق مالکیت نسبت به عین، منفعت، حق تحجیر و حق انتفاع که خود به دو دسته حق عینی اصلی و حق عینی تبعی تقسیم می‌گردد. (حیاتی، ۱۳۸۸: ۴۰-۳۹)



حق دینی یا شخصی، حقی است که شخص نسبت به دیگری پیدا می‌کند و به موجب آن می‌تواند انتقال مال یا انجام دادن کار و یا خودداری از امری را بخواهد و مدیون مکلف است که آن را انجام دهد (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۶)

با تأکید بر ویژگی‌های حقوق مالی، مبنی بر قابلیت دادوستد داشتن (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ۱۰۰)، قابلیت ارزیابی به پول (همو، ۱۳۸۸: ۷/۴) و قابلیت انتقال به دیگری (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۲)، در نگاه اول شاید بتوان حق امتیاز تسهیلات بانکی را ذیل این دسته از حقوق قرار داد، زیرا هم از قابلیت دادوستد و ارزیابی به پول برخوردار است و هم اینکه انتقال آن در میان جامعه قابل مشاهده می‌باشد، البته این مطلب که بانک‌ها اعطای وام و تسهیلات را مشروط به پرداخت آن به دارنده حق امتیاز می‌کنند و از انتقال حق مربوطه به دیگری، حتی طی سند رسمی ممانعت به عمل می‌آورند، اطلاق حق مالی اعم از حق عینی و حق دینی بر تسهیلات بانکی را مورد تأمل قرار می‌دهد.

دقت نظر در این مطلب می‌رساند که امتیاز وام و تسهیلات بانکی، شباهت زیادی با حقوقی نظیر حق سرقتی، حق تألیف و حق اختراع دارد؛ این حقوق که از آن‌ها تحت عنوان حقوق معنوی یاد می‌شود، حقوقی است که به صاحب آن، اختیار انتفاع و بهره‌مندی انحصاری از فکر و فعالیت و ابتکار انسان را می‌دهد، به عنوان نمونه، حقی که صنعتگر و تاجر نسبت به نام تجاری یا شکل و علامت خاص فرآورده‌ها و کالاهای خود دارد و همین طور حقی که یک مخترع و یا نویسنده اثر ادبی نسبت به آن اختراع و اثر دارد، حق معنوی است. (کاتوزیان، ۱۳۹۸: ۳/۴۵۶)

این حقوق به عنوان حقی غیر از حق مالی عینی و دینی، از جهتی به حق عینی و از جهت دیگری به حق دینی شباهت دارد، زیرا در مثال مربوط به اثر تألیفی، حقی که مؤلف دارد در مقابل دیگران قابل استناد است و با حق مالکیت که حقی عینی است شباهت می‌یابد، اما موضوع آن همانند حق دینی، شیء خارجی نیست و به حاصل فکر و ابداع نویسنده متکی است. (همان: ۴۵۳)



برخی از حقوق دانان قائل به این هستند که نایستی حق معنوی را با اموال و منافع در آمیخت و باید به خودی خود و دارای مفهومی مستقل در نظر گرفته شود. (جعفرزاده، ۱۳۸۵: ۶۱) با لحاظ این مطلب که در بحث اقسام شرکت گفته شده است که شرکت بر سه قسم شرکت در اعیان، شرکت در منافع و شرکت در حقوق تقسیم بندی می شود. (قطب الدین راوندی، ۱۴۰۵: ۲/۶۶)؛ این عبارت نیز می رساند که در میان فقها کسانی هستند که حقوق را دارای وجودی مستقل و جدای از منافع بر می شمردند.

می توان مدعی شد که آنچه در مورد مال یا منفعت بودن آن اختلاف مطرح می باشد، حقوق مادی است نه حقوق معنوی، حال آنکه در حقوق معنوی، نگاه مالی و مادی وجود ندارد.

با توجه به تعریف ارائه شده از حقوق معنوی، حق امتیاز وام و تسهیلات بانکی، از آنجایی که گاهی نتیجه عمل سپرده گذاری فرد در بانک می باشد، و در مواردی دیگر به دلیل حائز شرایط بودن دارنده آن به وی تعلق می گیرد، می تواند مصداقی از حق معنوی به شمار رود. در واقع امتیاز وام و تسهیلات بانکی مزیتی قانونی و غیرمادی است، که به صاحب آن اختیار انتفاع انحصاری می دهد. (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۴)

## ۵. امکان سنجی انتقال وام و تسهیلات بانکی

اینکه آیا انتقال امتیاز وام و تسهیلات بانکی اساساً امکان دارد یا اینکه امری ناممکن است؟ سؤالی است که پاسخ به آن با بررسی جوانب فقهی و حقوقی موضوع میسر است، که در ادامه به آن پرداخته می شود.

### ۵. ۱. امکان سنجی انتقال وام و تسهیلات بانکی از جنبه فقهی

گفته شده است که فقها در باب تألیف، به عنوان مصداقی از حق معنوی، رابطه مؤلف با اثرش از حیث انتقال پذیری را همچون رابطه والدین و فرزند قلمداد می کنند و معتقدند همان گونه که فروش فرزند قابل تصور نیست و فرزند ولو آنکه بزرگ و بالغ گردد و یا حتی بمیرد، کماکان فرزند پدرش محسوب می شود، اثر مؤلف نیز



جزء جدا نشدنی از وی بوده و فروش آن و گذاردن نام شخصی دیگر، غیر از نام خالق اثر، بر روی آن غیر قابل تصور می‌باشد. (امینی نژاد و صفایی، ۱۳۹۶: ۳)

بدیهی است که صحیح بودن انتساب چنین نظریه‌ای به فقها، اثبات انتقال حق معنوی، به ویژه در باب تسهیلات و وام بانکی را با تردید و ابهام مواجه می‌سازد.

در پاسخ به گفته فوق، برخی از نویسندگان در استفتائات عدیده‌ای که از فقهای معاصر به عمل آورده‌اند، اذعان داشته‌اند که هیچ‌گاه به چنین عقیده‌ای در میان فقها برخورد نکرده‌اند و حتی فقیهی را نمی‌شناسند که حق معنوی مؤلف را وابسته به شخصیت وی قلمداد نموده باشد، چه رسد به اینکه بخواهد رابطه میان مؤلف و اثرش را از قبیل رابطه پدر با فرزند تلقی کند. (همان: ۵)

لازم به ذکر است حقوق از ویژگی‌های یکسانی برخوردار نیستند و حق، زمانی می‌تواند از دارنده آن به دیگری منتقل گردد که قابل انتقال باشد و روشن است که حقوق غیرقابل انتقال ظرفیت و پتانسیل انتقال به غیر را ندارند.

برخی از حقوق نظیر حق تحجیر، اگرچه مفید حق است، اما اقتضای ملکیت نمی‌کند. (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۱۸/۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۴: ۲/۴۱۰؛ عاملی کرکی (محقق ثانی)، ۱۴۱۴: ۲۸/۷)

طبق یک نظر، حق اولویت ناشی از تحجیر، حق مالی شمرده می‌شود که با هبه و یا صلح قابل واگذاری است. معدودی از فقها آن را به تبع آثار، مانند حق اولویت موجود در اراضی مفتوح العنوه قابل فروش می‌دانند، اما به نظر بیشتر فقها، حق مزبور، پیش از دسترسی به آن، مانند حق شفعه، قابل فروش نیست. (علامه حلی، همان: ۲/۴۱۱؛ عاملی کرکی (محقق ثانی)، همان: ۷/۲۹-۲۸؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۱۳/۳۰۴؛ امامی، بی تا: ۱/۱۳۴)

شیخ انصاری حق تحجیر را از حیث انتقال‌پذیری، جزء حقوق قابل انتقال می‌داند و برای برخی دیگر از حقوق، انتقال اختیاری قائل نشده، مثل حق شفعه و حق خیابار. (انصاری، ۱۴۱۱: ۱/۳۰۶)

از بین فقهای متأخر، مکارم شیرازی قائل به این است که تحجیر قابل انتقال قهری می‌باشد و در رابطه با حق قسم نیز، زوجه می‌تواند حق خود را به دیگری منتقل کند، اما قابل انتقال قهری نیست. حق سبق نیز همچون حق قسم می‌تواند به دیگری منتقل گردد، ولی غیر قابل انتقال قهری بوده و اگر بمیرد به ورثه نمی‌رسد. در مقابل، حق شفعه قابل انتقال قهری است و به ارث هم می‌رسد، اما شریک نمی‌تواند حق شفعه را به شخص ثالث انتقال دهد. طبق گفته ایشان، بنابر اینکه غیبت حق باشد، این قسم از حق نیز از قابلیت نقل و انتقال برخوردار نیست و غیبت شونده نمی‌تواند حق خود را به دیگری منتقل کند یا اینکه پس از مرگ وی، به ورثه منتقل شود. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ۱۴۱/۶)

محقق داماد در بحث از اقسام حقوق، حق حضانت و ولایت را که در زمره حقوق غیرمالی قرار دارند به هیچ وجه قابل انتقال به غیر نمی‌داند، ایشان نیز در زمره کسانی قرار گرفته که حق تحجیر را به عنوان یک حق مالی قابل انتقال محسوب می‌کنند، بعلاوه اینکه قائل به قابلیت انتقال برای حق خیار هم نیستند (محقق داماد، ۱۴۲۰: ۱۰۸)

برخی با برشماری خیارات در شمار حقوق مالی، حق خیار را قابل نقل و انتقال محسوب نمی‌کنند. (طاهری، ۱۴۱۸: ۱۵۸/۴)

تأمل در دیدگاه صاحب‌نظران، گویای اختلاف نظرات بارزی در این زمینه می‌باشد، چه اینکه دیدگاهی دیگر علی‌رغم اینکه خیار را حق مالی می‌داند، اما به غیرقابل انتقال بودن آن نظر داده است. (امامی، بی تا: ۵۳۱/۱)

با دقت نظر در دیدگاههای مذکور، تعدد در نظرات، مشهود می‌گردد. از آنجایی که وام و تسهیلات بانکی فرایندی است که در جامعه امروز متداول گشته، لذا از متون فقهی متقدم نمی‌توان به صراحت قابل انتقال و یا غیرقابل انتقال بودن آن را به دست آورد، اما طبق قوانین موجود شواهدی به دست می‌آید که در جهت رسیدن به مطلوب مفید فایده است.





## ۵.۲. امکان سنجی انتقال وام و تسهیلات بانکی از جنبه حقوقی

ماده ۱۴۰ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری، موضوع انتقال علامت تجاری ثبت شده و اختراع را پذیرفته و به بیان جزئیات آن پرداخته است. مطابق با مضمون این ماده، در صورت انتقال اختیاری ورقه اختراع به فرد دیگر، بایستی تمامی الزامات و اسناد انتقال به طور قانونی و رسمی توسط دفاتر اسناد رسمی انجام شود، سپس سند تنظیم شده در این دفاتر به منظور اعمال تغییرات، برای اداره مالکیت معنوی ارسال گردد.<sup>۱</sup>

انتقال علائم تجاری و همچنین اختراع، به عنوان مصادیقی از مالکیت معنوی، طبق قانون مزبور لحاظ گردیده و قانونی می‌باشد. شاید با استناد به این قانون، فرض انتقال تسهیلات و وام بانکی به موجب اینکه حقی معنوی تلقی می‌گردد تصور شود، حال آنکه دقت در بخشنامه شماره ۸۹/۱۳۴۱۳۷ مورخ ۱۳۸۹/۰۶/۲۴ بانک مرکزی که در مباحث پیشین ذکر گردید این فرض را منتفی می‌سازد، چرا که قانون مزبور در ممنوعیت نقل و انتقال تسهیلات و وام بانکی صراحت دارد، و مطابق آن، حق امتیاز تسهیلات و وام، یک حق غیرقابل انتقال تلقی می‌شود؛ بدین معنا که صرفاً خود شخص صاحب امتیاز مجاز به دریافت وام می‌باشد.

در حقیقت این امتیاز متأثر از موقعیت و وضعیت خاص دارنده آن است، کما اینکه ممکن است که شخصی دیگر از آن بهره‌مند نباشد. مثلاً زوجینی که تصمیم به ازدواج رسمی می‌گیرند، پس از طی مراحل قانونی و تدوین عقدنامه، از این فرصت برخوردارند که با استناد به عقدنامه موردنظر و طبق شرایط ارائه شده از سوی بانک‌ها، به اخذ وام ازدواج اقدام نمایند. لذا در اینجا این ازدواج زوجین است که پدیدآورنده حق امتیاز وام برای آنها می‌شود؛ اما این اختیار را ندارند که آن را به غیر انتقال دهند. اگر قرار بود که وام و یا تسهیلات بانکی به غیر دارنده آن نیز انتقال گردد، این فرایند می‌توانست در بستر بانکی و طی قرارداد انتقال صورت پذیرد،

۱. ر. ک: ماتیکان، «قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری»:



درست همانند آنچه که از قانون ممنوعیت انتقال مستثنی می‌باشد و به راحتی و بدون هیچ محدودیتی، با نظارت بانک و از مجرای قوانین بانکی، از دارندگان آن‌ها به غیر انتقال می‌یابد؛ نظیر تسهیلات مسکن برخی از بانک‌ها، که اشخاص می‌توانند با درخواست واگذاری سپرده سرمایه‌گذاری و در قالب دریافت گواهی حق تقدم، از امتیاز مربوطه استفاده کنند.

دیدگاه نخست مراجع که پیش از این گذشت و حکم خرید و فروش وام و تسهیلات بانکی را تابع مقررات بانک می‌دانست، همین نظریه را تأیید می‌کند، زیرا این دیدگاه، در صورت اعطای امتیاز مربوطه جهت استفاده خود شخص از طرف بانک، این واگذاری را ولو مجاناً جایز نمی‌داند، اما چنانچه مقصود بانک از این اعطا، استفاده مطلق ولو توسط دیگری باشد، در نقل و انتقال آن مانعی نمی‌بیند. بنابراین با توجه به این نظریه و در نظر داشتن انتقال حق امتیاز وام و تسهیلات بانکی به عنوان یک عمل خلاف مقررات بانکی، حکم مسئله روشن‌تر می‌گردد.

در مقابل، دیدگاه دیگر مراجع مورد تأمل قرار می‌گیرد، چرا که ارائه دهندگان این فتوا بدون لحاظ عدم انتقال‌پذیری حق امتیاز تسهیلات و وام بانکی، به نوعی علت عدم جواز این خرید و فروش را به ربوی بودن نسبت می‌دهند.

طبق آنچه گذشت و با لحاظ بخش‌نامه صادره از بانک مرکزی و ترجیح دیدگاه نخست، تعمیم بیع به انتقال حق امتیاز تسهیلات و وام بانکی از توجیه مناسبی برخوردار نمی‌باشد و اساساً چنین حقی نمی‌تواند مورد معامله قرار گیرد. بدیهی است که تداوم و استمرار روند خرید و فروش این قسم از حق، جامعه را از جهات گوناگونی متأثر می‌سازد؛ شفاف‌سازی هر چه بیشتر این آثار، نه تنها منع قانونی حاکم در این رابطه را تقویت می‌کند، بلکه از جنبه تبیین عدم مشروعیت آن نیز کارساز خواهد بود.

## ۶. آثار خرید و فروش وام و تسهیلات بانکی

با نگاهی به جامعه، بی‌شک آثار پدیده موسوم به وام‌فروشی به اشکالی متفاوت، محرز می‌گردد، در حقیقت، این آثار مؤیداتی است که قول به عدم جواز و ممنوعیت



این معاملات را تشدید می‌نماید. در ادامه به بحث از این آثار، از دو جنبه اقتصادی و اجتماعی می‌پردازیم.

## ۶. ۱. آثار اقتصادی

بیکاری، مهاجرت و پول‌شویی، از جمله آثار اقتصادی خرید و فروش وام و تسهیلات برشمرده می‌شود. اینکه چگونه خرید و فروش وام و تسهیلات می‌تواند عاملی برای پدید آمدن آثار یاد شده باشد امری قابل ملاحظه و نیازمند تشریح است که با دقت در مطالب ذیل آشکار می‌گردد.

### ۶. ۱. ۱. بیکاری

وام اشتغال‌زایی از جمله وام‌هایی است که با هدف رفع بیکاری از سوی بانک‌های عامل پرداخت می‌گردد. در همین رابطه، فردی که به دلیل بیکاری، مثلاً به اخذ وام پرورش زنبور عسل و یا خرید ادوات کشاورزی اقدام می‌نماید، تا از این راه به شغل مورد نظر خود دست یابد، هرگاه پس از طی مراحل قانونی، به هر علت به فروش وام مورد نظر تن دهد، هر چند که در ازاء فروش این امتیاز، مبلغی به دست می‌آورد، اما مبلغ به دست آمده در مقایسه با درآمد او در فرضی که وام مربوطه را صرف پرورش زنبور عسل و یا تجهیزات کشاورزی می‌کرد، به هیچ وجه قابل توجه نمی‌باشد. در واقع چنین شخصی که برای اشتغال، متقاضی دریافت وام شده، در حالت فروش حق امتیاز وام مربوطه، فرصت شغلی خود را از دست می‌دهد و در نتیجه مشکل بیکاری وی همچنان وجود خواهد داشت.

طبق مثالی دیگر، قابل مشاهده است که وزارت جهاد کشاورزی، اخیراً برای راه‌اندازی، بازسازی و کمک به تولید بهتر طرح‌های تولیدی، نظیر مرغداریها، تصمیم به اعطای تسهیلات به متقاضیان آن نموده است. چنانکه ملاحظه می‌گردد، اگر طبق یک فرض ممکن، مالک مرغداری که با مشکلاتی از قبیل خرابی زیرساخت‌ها و عدم قدرت خرید امکانات لازم در جهت تولید روبه‌روست، متقاضی شناخته شود، اما پس از آن، به جای صرف تسهیلات مربوطه در جهت رفع مشکلات موجود، حق امتیاز اختصاصی را به غیر واگذار کند، از آنجایی که مشکلات طرح مرتفع





نگشته، ممکن است که وی به دلیل عدم توانایی تغییر وضع موجود، نسبت به تعطیلی طرح موردنظر اقدام کند؛ در چنین حالتی بیکاری این شخص در نتیجه این اقدام، دور از ذهن نیست.

چه بسا اگر در مثال‌های مذکور، وام و تسهیلات بانکی مربوطه در بستر خود قرار می‌گرفت و در جهت پرورش زنبور عسل و یا ادوات کشاورزی و یا در راستای توسعه و ترمیم طرح تولیدی صرف می‌گردید، اشتغال متقاضیان، اولین پیامد چنین عملکردی به شمار می‌رفت.

روشن است که پدید آمدن بیکاری در نتیجه فروش تسهیلات و وام بانکی، منحصر در روستاها نبوده، بلکه به نسبت جمعیت شهری، می‌تواند در سطح شایع-تری به وقوع برسد. بی‌شک آثار بیکاری، منحصر در فرد نبود و اقتصاد کشور را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

#### ۲.۱.۱. مهاجرت

در سال‌های اخیر، بلایای طبیعی نظیر سیل و زلزله، بیشتر از همه به خانه‌های روستایی خسارت وارد کرده است. متأثر از همین امر، به منظور جبران این خسارت و پیشگیری از خسارت در سال‌های بعد، دولت برنامه اعطای وام، با هدف ساخت و مرمت مسکن روستایی را طرح‌ریزی کرده است. مطابق برنامه طرح جامع مسکن و ماده ۵۹ برنامه ششم توسعه، احداث سالیانه ۲۰۰ هزار واحد مسکن روستایی تا افق ۱۴۰۵ در دستور کار قرار گرفته است، تا ضریب مقاوم‌سازی زیرساخت‌ها در این حوزه به ۷۰ درصد برسد.<sup>۱</sup>

بنا بر اعلام مدیرکل دفتر معاونت مسکن روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، مقرر شده است که در مجموع ۳۲ هزار و ۴۴۰ واحد، از وام مسکن روستایی در

۱. ر. ک: کیلید، «شرایط وام مسکن روستایی در سال ۱۳۹۹»:

<https://kilid.com/mag/buy.and.rent.advice/financial.training.and.advice/22>

سقف ۵۰۰ میلیون ریال با کارمزد ۵ درصد و کمک بلاعوض در سقف ۲۵۰۰ میلیون ریال استفاده کنند.<sup>۱</sup>

واگذاری وام و تسهیلات به روستائیان محدود به مورد مذکور نبوده و در قالب طرح‌های دیگر از قبیل طرح تسهیلاتی خرید علوفه، خرید دام و ... پی‌ریزی شده است. با توجه به نقش خطیر روستائیان در تولیدات کشاورزی و دامپروری، روشن است که تمامی این خدمات در راستای توسعه روستایی بوده و هدفی جز این را دنبال نمی‌کند. بدیهی است که اگر طرح‌های تسهیلاتی مذکور و نظائر آن در مسیر خود جریان یابد، نتیجه آن تحقق هدف یاد شده خواهد بود. این در حالی است که شماری از متقاضیان پس از طی مراحل لازم، به جای صرف وام و تسهیلات در جهت مربوطه، فروش آن را ترجیح می‌دهند تا از این طریق سرمایه‌ای برای ورود به شهرنشینی تأمین کنند. چه بسا تحقق این حالت در درصد بالایی، به متروکه شدن روستاها منجر می‌گردد. این پیامد با کمترین دقت در شماری از مناطق روستایی قابل ملاحظه است.

تأثیرپذیری اقتصاد کشور از مهاجرت روستائیان، بر بسیاری از جنبه‌های جوامع مبدأ و مقصد، مثل سازمانهای اجتماعی، شاخص جمعیتی و اقتصادی، الگوهای سکونت و غیره اثرگذار است. حتی خود مهاجر، خانواده، منطقه و اجتماع، از این تأثیر به نحو متقابل در معرض آسیب قرار دارند. از جمله این تبعات و آثار، موارد ذیل قابل اشاره است:

- رکود فعالیت‌های تولیدی و کشاورزی در مناطق روستایی؛
- وابستگی شدید روستا به شهر، حتی در مورد مواد غذایی تولیدی مانند نان؛
- کمبود و حتی نبود مسکن مناسب در شهرهای مهاجرپذیر، که در برخی موارد به ایجاد و گسترش حلبی آبادها و مناطق خارج از محدوده در حاشیه شهرها می‌انجامد؛ البته خود این پیامد، به وجود آورنده مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حادی خواهد بود؛

---

۱. ر. ک: همان منبع.



- روی آوردن مهاجران به کارهای خدماتی و غیرتولیدی، مثل سیگار فروشی، دست‌فروشی و...؛
- ایجاد و گسترش مسائل و مشکلات اخلاقی، فرهنگی و سیاسی در شهرها و عدم امکان کنترل و مهار آنها؛
- به هم خوردن ساختار جمعیتی و شغلی و همچنین ترکیب جنسی و سنی در شهرها؛
- رشد روزافزون جمعیت شهری؛
- رشد بیکاری در مناطق شهری؛
- افزایش آلودگی‌های زیست محیطی، صوتی، و غیره در شهرها. (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۰: ۸)

### ۳.۱.۶. پول‌شویی

بر اساس ماده ۱ دستورالعمل جامعه اروپایی مصوب مارس ۱۹۹۰، «پول‌شویی» عبارت است از تبدیل یا انتقال یک دارایی، با علم به اینکه از فعالیت‌های بزهکارانه به دست آمده باشد، به منظور پنهان داشتن یا گم کردن رد منشأ غیرقانونی آن دارایی؛ یا کمک به کسی که مرتکب چنین جرمی شده، برای گریز وی از پیامدهای قانونی آن.<sup>۱</sup>

مطابق تعریف مصوب سازمان بین‌المللی پلیس کیفری (Icpo Interpole)، منظور از پول‌شویی، هر نوع عمل یا اقدام به عمل برای مخفی نمودن یا تغییر ظاهر دادن هویت عواید نامشروع است، به طوری که وانمود شود که این عواید از منابع قانونی سرچشمه گرفته‌اند. (رهبر، ۱۳۸۲: ۶)

برشماری پول‌شویی به عنوان اثر خرید و فروش تسهیلات و وام زمانی اتفاق می‌افتد که شخص یا اشخاصی به طور سازمان یافته، نه از سر نیازمندی و در طی

---

1. commission of the European communities; proposal for a council Directive on prevention of use of the financial system for the purpose of money laundering, and Explanatory memorandum, March 23, 1990.



دفعات محدود، بلکه به صورت مستمر و به منظور کسب دارایی، به خرید تسهیلات و وام‌های کلان بپردازند.

بدیهی است که در طی این روند، عواید حاصل از جرم، به چرخه نظام مالی وارد می‌شود تا با پوشاندن منشأ غیر قانونی آن، قانونی به نظر آید.

در حقیقت، این خریداران که در سطح گسترده‌ای فعالیت می‌کنند، همواره به دنبال راه حلی برای پنهان کردن ماهیت و منشأ این اموال نامشروع هستند، لذا اقدام به پول‌شویی می‌کنند تا به نوعی منشأ اولیه این درآمدها را پوشیده نگه دارند و به دنبال مشروع جلوه دادن و سفیدنمایی این اموال هستند. چه بسا این افراد، جرم پول‌شویی را به واسطه اشخاصی مرتکب می‌شوند که در ارتکاب جرم اولیه دخالتی نداشته باشند.

روشن است که فعالیت خریداران تسهیلات و وام، به شکلی که زمینه جرم پول‌شویی را فراهم کند، از لحاظ اقتصادی، با اثرات منفی فراوانی همراه است، از جمله بی‌ثباتی و اختلال و در اقتصاد، کاهش کنترل دولت بر سیاست‌های اقتصادی، کاهش درآمد دولت، تغییر جهت سرمایه‌گذاری‌ها و خروج آن‌ها از کشور، تضعیف بخش خصوصی و ایجاد موانعی در جهت خصوصی‌سازی، تضعیف امنیت اقتصادی، تضعیف یک‌پارچگی و تمامیت بازارهای مالی، تأثیر منفی بر میزان نرخ بهره و ارز. بعلاوه اینکه با تأثیر منفی بر جنبه اجتماعی اقتصادی، سبب انتقال قدرت اقتصادی از بازار، دولت و شهروندان به بزهکاران و سازمان‌های مختلف می‌گردد. بی‌شک قدرت اقتصادی انتقال‌یافته به سازمان‌ها و اشخاص مجرم، در سطح وسیع‌تری نفوذ یافته و آثار مخربی بر تمامی ارکان و اجزای جامعه دارد (همان)

با مروری بر مباحث یاد شده، محرز می‌گردد که چنانچه وام و تسهیلات بانکی، در بستر مناسب خود جریان یابد، با تأثیرگذاری در زمینه اشتغال و تولید، رشد اقتصادی را نتیجه می‌دهد و در مقابل اگر از بستر خود خارج شده و در دست دلالان و سوداگران بازار قرار گیرد، بیکاری، مهاجرت و پول‌شویی به عنوان آثار بارز این پدیده، شاخص رشد اقتصادی را تحت تأثیر جدی قرار می‌دهند.

## ۶.۲. آثار اجتماعی

اثرگذاری پدیده وام فروشی به جنبه اقتصادی منحصر نشده و با پدید آوردن تبعات ذیل، اجتماع را نیز متأثر می‌گرداند.

### ۶.۲.۱. انبوه‌سازی پرونده‌های قضایی

بدون تردید واگذاری وام مسکن، وام ازدواج، وام خرید خودرو و سایر وام‌ها همگی در جهت پوشش خلاءهای موجود در جامعه است، یعنی برای اجرای عدالت اجتماعی، در اختیار افراد کم‌تر برخوردار قرار می‌گیرد، تا آن‌ها نیز به سطح مناسبی از رفاه اجتماعی برسند.

متأثر از تورم شدید مسکن و کاهش قدرت خرید مردم، امروزه با هدف استحکام بخشی و زیباسازی بافت‌های شهری، تصمیمات در خور توجهی اتخاذ شده است. بدین منظور وزارت راه و شهرسازی در طی ابلاغیه‌ای به سازمان‌های ذی‌ربط و مکلف نمودن آن‌ها به مساعدت در این زمینه، انجام بخشی از وظایف را به بانک مسکن محول نموده است. طبق اعلام بانک مزبور، افرادی که در بافت‌های فرسوده شهری زندگی می‌کنند، می‌توانند با استفاده از وام‌های اختصاص یافته، نسبت به بازسازی مسکن خود اقدام کنند.<sup>۱</sup>

در پی اجرای طرح یاد شده، در مواردی مالک مسکن فرسوده، خواه به دلیل ناتوانی در پیگیری‌های لازم، و خواه به هر علت دیگر، امتیاز وام اختصاصی مسکن خود را به دیگری می‌فروشد، از آنجایی که شرط لازم برای اخذ وام، ارائه سند و بنچاق قطعی مالکیت متقاضی وام است، برای حصول این مطابقت، راهکاری جز انتقال صوری ملک به نام خریدار وام وجود ندارد. با لحاظ اینکه سند مربوطه تا زمان تسویه وام، در رهن بانک قرار می‌گیرد، طبق یک صورت، فوت هر یک از مالک اصلی و یا مالک صوری مسکن در این فاصله زمانی امری محتمل است که به تبع آن، ادعای مالکیت ساختمان، میان وارثان میت با طرف مقابل، پدیدآورنده

۱. ر. ک: یاسا، «وام نوسازی بافت فرسوده چقدر است؟»:





اختلافاتی خواهد بود که تنها مرجع رسیدگی به آن، دستگاه قضایی است. با اندکی تأمل، به دست می‌آید که اعمال شیوه یاد شده برای خرید و فروش وام، می‌تواند نقش بسزایی در انبوه‌سازی پرونده‌های قضایی بدنبال داشته باشد.

طبق شیوه رایج دیگر، برخی از افراد با افتتاح حساب و سوءاستفاده از نام اشخاصی که هیچگونه استطاعت مالی ندارند، اقدامات لازم را برای بهره‌برداری از وام‌های کلان اعمال می‌کنند. این در حالی است که شاید نظام مالیاتی از دریافت مالیات از افراد بدون استطاعت مالی صرف‌نظر نماید، اما عملکرد سیستم بانکی بدین شکل نمی‌باشد و قانون به طور جدی تأکید دارد که بایستی دریافت اقساط و مالیات و سایر مطالبات از صاحب حساب بانکی اخذ شود.<sup>۱</sup> در این صورت، سوءاستفاده از هویت افراد کم‌بضاعت و ناآگاه برای دریافت تسهیلات و وام، نه تنها سبب افزایش معوقات بانکی گشته، بلکه بر انبوه‌سازی پرونده‌های قضایی نیز تأثیرگذار خواهد بود.

بر اساس مطالب مذکور، خرید و فروش تسهیلات و وام‌های بانکی، علاوه بر جنبه اقتصادی، از لحاظ اجتماعی نیز اثرگذار بوده و با ایجاد پیامدهایی چون نقل و انتقالات صوری، سوءاستفاده از هویت افراد و افزایش معوقات بانکی، در انبوه‌سازی پرونده‌های دستگاه قضا تأثیر چشمگیری خواهد داشت.

## ۶.۲.۲. ایجاد فاصله طبقات اجتماعی

این تصور دور از ذهن نیست که خریداران امتیاز وام و تسهیلات نیز نیازمند به آن باشند، حال آنکه چنین تصویری در موارد فراوانی با خطا روبرو بوده و عمدتاً خریداران وام و تسهیلات جزء افراد پردرآمد جامعه محسوب شده که با سوء استفاده از افراد کم‌تر برخوردار، این شیوه را بعنوان شغل و منبعی برای افزایش درآمد خویش اتخاذ می‌کنند؛ طبیعتاً سود حاصله خریداری وام و تسهیلات برای این اقشار، به هر شکلی که صورت گیرد، خواه مستقیماً از دارنده آن باشد و یا توسط دلال‌ها و

۱. ر. ک: خبرگزاری دانشجو، «ماجرای خرید و فروش وام‌های بانکی چیست؟!»:

مؤسسات موسوم به «وام فروشی» انجام شود، رقم قابل توجهی خواهد بود که می‌تواند به عنوان عللی از عوامل ایجاد فاصله طبقاتی در جامعه مطرح شود.

## نتیجه‌گیری

با توجه به رواج موضوع خرید و فروش تسهیلات و وام‌های بانکی در دوره‌های اخیر، دستیابی به استدلال لازم برای پاسخگویی به مسئله تعمیم بیع به این قسم از معاملات و حکم آن، مقتضی آن است که علاوه بر تبیین ماهوی و تشخیص حق مزبور، ویژگی آن حق به لحاظ انتقال‌پذیری مبرهن گردد. با بر شماری حق امتیاز تسهیلات و وام بانکی در زمره حقوق معنوی، مفاد بخش‌نامه شماره ۸۹/۱۳۴۱۳۷ مورخ ۱۳۸۹/۰۶/۲۴ بانک مرکزی، بهترین دلیل بر ویژگی عدم انتقال‌پذیری حق مزبور است. اگر انتقال این قسم از حقوق، امکان‌پذیر بود، این عملکرد می‌توانست با مشارکت بانک و طبق قوانین مربوطه انجام گیرد. بنابراین با توجه به ترجیح دیدگاه ناظر بر لزوم توجه به قوانین بانکی، به انضمام مفاد بخش‌نامه یاد شده، عدم تعمیم بیع به خرید و فروش حق امتیاز تسهیلات و وام بانکی محرز می‌گردد؛ چراکه حق مزبور از خاصیت انتقال‌پذیری برخوردار نبوده و هدف بانک از اعطای چنین حقوقی، صرفاً استفاده خود شخص می‌باشد. لذا تمامی معاملاتی که با این محوریت انجام می‌پذیرد، بیع محسوب نشده و فاقد وجهه قانونی و شرعی شناخته می‌شود. قانونی نبودن و عدم مشروعیت این معاملات با تحقیق از آثار آن، روشن‌تر می‌گردد؛ چون معاملات مزبور نه تنها به دلیل ایجاد پیامدهایی چون بیکاری، مهاجرت و پولشویی، بر رشد اقتصادی تأثیرات منفی بر جای می‌گذارد، بلکه از جنبه تأثیرگذاری بر انبوه‌سازی پرونده‌های قضایی و ایجاد فاصله هر چه بیشتر طبقات جامعه، به لحاظ اجتماعی نیز قابل توجه می‌باشد. در این بین، اگر نظام پرداخت تسهیلات و اعتبارات بانکی به سمت اعتبارسنجی سوق داده شود و تضامین دست‌وبال‌گیر، سد راه متقاضیان نشود، قطعاً عموم جامعه به هنگامی که نسبت به نوع خاصی از تسهیلات و یا وام، متقاضی شناخته شوند، هیچگاه حاضر نخواهند شد که حتی در شرایط سخت زندگی، به تأمین مالی خود از طریق خرید و فروش حق امتیاز مربوطه روی آورند.





## منابع و مأخذ:

- ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۸۰)، «مهاجرت‌های روستایی و علل و پیامدهای آن؛ نمونه: استان سیستان و بلوچستان»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۶۰، ص: ۱۶۸-۱۴۳.
- امامی، حسن (بی‌تا)، حقوق مدنی، چ ۴، تهران: انتشارات اسلامی.
- امینی‌نژاد، علی و سید حسین صفایی (۱۳۹۶)، «تحلیل فقهی و حقوقی موانع امکان نقل و انتقال حق معنوی مؤلف»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۳، ش ۴۷، ص: ۴۸-۲۷.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۱)، کتاب المکاسب، قم: منشورات دار الذخائر.
- بحرالعلوم، محمد بن محمد تقی (۱۴۰۳)، بلغة الفقیه، تهران: منشورات مکتبه الصادق علیه السلام.
- جعفرزاده، میرقاسم (۱۳۸۵)، «مبانی فقهی مشروعیت حقوق فکری»، نشریه الهیات و حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی»، س ۶، ش ۱۹.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۶۸)، حقوق اموال، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸)، ترمینولوژی حقوق، چ ۲۱، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- حسینی دشتی، مصطفی (۱۳۷۹)، دایره المعارف جامع اسلامی، تهران: موسسه فرهنگی آرایه.
- حیاتی، علی عباس (۱۳۸۸)، حقوق مدنی (۲) (اموال و مالکیت)، تهران: نشر میزان.
- رهبر، فرهاد (۱۳۸۲)، «پول‌شویی و آثار و پیامدهای آن»، مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۳۸، ش ۳، ص: ۵۵-۳۳.
- طاهری، حبیب‌الله (۱۴۱۸)، حقوق مدنی، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عاملی کرکی (محقق ثانی)، علی بن حسین (۱۴۱۴)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، چ ۲، قم: مؤسسه آل‌البت علیهم السلام.





- عبداللهی، محمود (۱۳۷۱)، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴)، تذکره الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- عمید، حسن (۱۳۶۰)، فرهنگ فارسی، ج ۳، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- قطب الدین راوندی، سعید بن عبدالله (۱۴۰۵)، فقه القرآن، قم: انتشارات کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی علیه السلام.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۸)، فلسفه حقوق، تهران: نشر گنج دانش.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳)، دوره مقدماتی حقوق مدنی (اموال و مالکیت)، چ ۸، تهران: نشر میزان.
- کبیره، حسن (۱۹۷۱م)، المدخل الی القانون، اسکندریه: انتشارات دارالمعارف.
- مامقانی، محمد امین (۱۳۹۱)، قم: فقه المستحدثات / مؤسسه بوستان کتاب.
- محقق حلی، نجم الدین، جعفر بن حسن (۱۴۰۸)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، چ ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۲۰)، وصیت، تحلیل فقهی و حقوقی، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محمدی خراسانی، علی (۱۳۷۶)، شرح مکاسب، قم: انتشارات دارالفکر.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- معین، محمد (۱۳۷۹)، فرهنگ فارسی، چ ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴)، کتاب النکاح، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- منتظری، حسین علی (بی تا)، رساله استفتاءات، قم: [بی نا].
- موسوی خمینی، روح الله (بی تا)، تحریر الوسيلة، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۱۵)، کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چ ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- وحیدی، محمد (۱۳۸۵)، درآمدی بر فقه اسلامی، چ ۲، تهران: نشر هاجر.

